

انترناسیونال

۵۸

دوره دوم

جمعه، ۱ آبان ۱۳۸۳

۲۲ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

اطلاعیه تغییر طول موج
رادیو انترناسیونال
صفحه ۴

جوانان
علیه رمضان و آپارتاید جنسی
صفحه ۸

اخبار اعتراضات کارگری
صفحه ۷

انقلاب بعد از سرنگونی! و خانه نشینی پوپولیسم نو

صفحه ۳

حمید تقوائی

قطعنامه پیرامون تلاشهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی

صفحه ۸

بیانیه اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۵

سلاح اتمی نیز جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد

کاظم نیکخواه



بحران دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی به نقطه حساسی رسیده است. جمهوری اسلامی با این ارزیابی که غرب و مشخصاً آمریکا در شرایط اوجگیری بحران عراق و جریان داشتن انتخابات آمریکا امکان حمله نظامی فوری به ایران را ندارد، در ماههای اخیر راه اندازی ساترینفوژهای غنی سازی اورانیوم را از سر گرفته است و به هشدارهای دولتهای اروپایی در مورد تن دادن به ضوابط آژانس بین المللی انرژی اتمی بی توجهی نموده است. در همین رابطه روز پنجشنبه ۲۱ اکتبر نشستی از مدیران کل وزارت خارجه کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان در وین تشکیل شد تا با شرکت هیئتی از وزارت خارجه جمهوری اسلامی آخرین پیشنهادها و اظهارها به جمهوری اسلامی داده شود. قدرتهای اروپایی طرخی را ارائه داده اند که بر اساس آن سوخت اتمی برای نیروگاههای برق ایران به حکومت اسلامی داده خواهد شد و در عوض این حکومت باید دست از پروژه های غنی سازی اورانیوم بردارد. اما حکومت اسلامی گرچه در اجلاس

شرکت نموده اما اعلام کرده است که برنامه های خود را متوقف نخواهد کرد. طرح تامین سوخت اتمی ایران از جانب معاون "جان کری" نامزد جمهوری آمریکا مطرح شد. سناتور "جان ادواردز" معاون کری اعلام کرد که اگر "جان کری" به قدرت برسد، آمریکا به ایران در برابر توقف پروژه غنی سازی اورانیوم، سوخت اتمی خواهد داد. جرج بوش نیز پس از اینکه این طرح از جانب دولتهای فرانسه و آلمان و انگلستان مطرح گردید با آن توافق نشان داد. نشست ۲۱ اکتبر در وین آخرین فرصتی بود که کشورهای اروپایی برای جلوگیری از دست بالا پیدا کردن سیاست دولت بوش در حمله به جمهوری اسلامی

صفحه ۲

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت تشکیل حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۵

مرگ مال همسایه نیست! ژیلها را نجات دهیم!

صفحه ۲

نوید مینائی، تهران

"ایران کشوری ناامن است!"

صفحه ۶

گفتگو با دبیران واحدهای فدراسیون در سوئد

محکومیت محاکمه احتمالی برخی از اعضای مجاهدین خلق توسط آمریکا!

شوند. مقامات آمریکایی هنوز گزارشی در این زمینه ارائه نکرده اند.

صفحه ۴

این خبرگزاری همچنین گزارش کرده است که قرار است "هفتاد نفر از اعضای مجاهدین خلق که نقش رهبری فعالیتهاى تروریستی را به عهده دارند، در عراق محاکمه

"بازتاب"، از خبرگزاریهای رژیم اسلامی، اخیراً گزارش کرده است که: "قرار است ده نفر از اعضای مجاهدین خلق پس از دی ما برای محاکمه به آمریکا منتقل شوند."

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سلاح اتمی نیز جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد

دادند تا قبل از نشست آژانس بین المللی انرژی اتمی در ماه نوامبر، مانع ارجاع پرونده حکومت اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل شوند. اگر آژانس انرژی اتمی اعلام کند که حکومت اسلامی همکاری ننموده است آنگاه باید منتظر این بود که پرونده اتمی ایران به شورای امنیت ارجاع شود و نتایج آن میتواند برای حکومت اسلامی خطرناک باشد. ارجاع پرونده به شورای امنیت بی تردید تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی را بدنبال خواهد داشت و در عین حال به نیروهای اسرائیل و آمریکا بهانه بیشتری برای حمله نظامی به نیروگاههای اتمی ایران خواهد داد.

اروپا و مساله اتمی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی زیر فشارهای بین المللی ناچار شد تا مدتی راه اندازی سانتریفوژهای غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد. اما در ماههای اخیر مجدداً و بنا به برخی گزارشها به نحو فعالی نصب و راه اندازی دستگاههای غنی سازی اورانیوم را از سر گرفته است. پافشاری جمهوری اسلامی به ادامه برنامه های اتمی اش، دولت‌های اروپایی را با مشکل مواجه ساخته است. سیاست "دیالوگ انتقادی" سینه اش به دیوار خورده و اینها ناچار شدند به سیاست آمریکا نزدیک تر شوند. لحن حکومت فرانسه و آلمان و انگلستان در هفته های اخیر نسبت به حکومت اسلامی تند تر شده است. تهدید ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت بارها از زبان وزرای خارجه این کشورها نیز شنیده شده است. امری که قبلاً سابقه نداشت و با آن مخالفت میکردند. در این شرایط است که اکنون طرح فروش سوخت اتمی به ایران در ازای توقف پروژه غنی سازی اورانیوم در دستور قرار گرفته است.

این طرح حتی با موافقت تلویحی دولت بوش نیز همراه است. اما این موافقت در واقع یک مانور دیپلماتیک برای بستن تمام راهها بر دولت‌های اروپایی برای فرار از فشار بر جمهوری اسلامی است. پیشنهاد تامین سوخت اتمی بهانه استفاده غیر نظامی را از جمهوری اسلامی گرفته است. و ادامه پافشاری این حکومت بر ایجاد سردخانه های غنی سازی اورانیوم، اهداف نظامی این حکومت را برملا میکند. این یک پیشروی برای سیاستگزاران آمریکاست که دست آنها را در

تهاجم نظامی و تحریم اقتصادی و دیپلماتیک این حکومت بازتر میکند. اروپاییان در صورت شکست طرح اخیر خویش، که با همراهی ظاهری دولت بوش نیز همراه است ناچارند با طرح بوش برای فشار و حمله به جمهوری اسلامی همراهی کنند.

ماجراجویی جمهوری اسلامی

پافشاری جمهوری اسلامی برای ایجاد تجهیزات تهیه سلاحهای اتمی بی تردید يك ماجراجویی بسیار خطرناک در منطقه است. درگیریهایی نظامی میان نیروهای غربی و اسرائیل با حکومت اسلامی در مقاطعی از این بحران میتواند گریز ناپذیر شود. قربانیان چنین درگیریهایی آشکارا مردم بی دفاع هستند. اگر حکومت اسلامی موفق شود نهایتاً سلاحهای اتمیش را برپا کند، به معنای آنست که يك نیروی تروریستی و مرتجع و ضد بشری قدرتمندتری در سطح جهان پدیدار خواهد شد و بشریت با ناامنی بسیار بیشتری از امروز روبرو خواهد بود. ارتجاع هار اتمی اسلامی ترکیب بسیار خطرناکی برای کل بشریت است. بشریت متمدن چنین سناریوی وحشتناکی را نمی پذیرد و نباید بپذیرد. اما محاسبه حکومت اسلامی در مورد اینکه مجهز شدن به سلاحهای اتمی میتواند مردم را از سرگونی مایوس کند و به خانه بفرستد بهیچوجه واقعی نیست. بحران عمیق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در ایران با سلاح اتمی نه فقط حل نمیشود بلکه بیشتر تعمیق خواهد شد. دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی حتی اگر به واقعیت تبدیل شود، امکان تهاجم روانی به مردم را برای حکومت توحش اسلامی بیشتر میکند اما این امکان در حدی نیست که بتواند مردم را به خانه بفرستد. بحران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حکومت پایه ای تر از آنست که چنین تحولی بتواند آنرا تخفیف دهد. تنها جایی که سلاح اتمی کاربردی ندارد در برابر مردم است.

و بالاخره اینکه انقلاب ایران میتواند از این نظر نیز يك مشکل مهم جهانی را حل کند. انقلاب ایران انقلابی است که مهر چپ و کمونیسم را بر خود خواهد داشت و در اولین

مرگ مال همسایه نیست! ژیلها را نجات دهیم!

نوید مینائی - تهران

داده اند، ولی هیچ کس به او نگفته که بخاطر سنش فعلاً از رابطه جنسی محروم است، نه بخاطر اوراد مذهبی.

فاطمه را فعلاً از حکم اعدام نجات دادیم، کبرا را همینطور، همینطور شهلا را، ولی هزاران انسان دیگری که در ایران به مرگ تدریجی محکوم شده اند تکلیفشان چیست؟ رژیم اسلامی باید برود. باور کنیم اگر نرود - که احتمالش هم هست و این دقیقاً به همت و تلاش ما بستگی دارد - همه ما بدبخت تر از امروز می شویم و خواهر کوچولوی نازنین بیشتری را از دست می دهیم. مرگ مال همسایه نیست، حادثه پاکدشت می تواند در هر کجا تکرار شود. علی بی جی اعدام شد ولی جمهوری اسلامی با شاهرودی اش که زنده است، علت العلل که هنوز پابرجاست. و تا وقتی اجازه داشته باشد به جنایات خود ادامه میدهد. این روزها حتی اتحادیه اروپا هم نگران وضع حقوق بشر در ایران است، این یعنی اینکه رژیم کثیف اسلامی از نظر بین المللی هم در وضعیت بدی قرار دارد. نامه بنویسیم، فریاد بزنیم، کمی دیگر زور بزنیم و فشار را بیشتر کنیم کلک رژیم را می کنیم.

چه آینده ای در انتظار بچه ژیلها است؟ ژیلها را نجات بدهیم.

روزی پیروزی ممنوعیت کامل تولید سلاحهای اتمی و تمام سلاحهای کشتار جمعی را اعلام خواهد کرد. مردم شریف جهان مخالف تولید و استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از جانب هر دولت و قدرتی هستند. وجود سلاحهای کشتار جمعی در دست دولت‌های بورژوازی چه از نوع دولت بوش و دولت‌های اروپایی، چه از نوع اسرائیل و پاکستان و امثال اینها، و چه از نوع جمهوری اسلامیش بزرگترین خطر برای همه مردم جهان است. انقلاب سوسیالیستی در ایران با اعلام ممنوعیت تولید سلاحهای

خبر را که شنیدم شوکه شدم، صبح با چشمانی اشک آلود بیدار شدم، خبر را برای هر کسی که آدرسش را داشتم فرستادم. خیلی ها ابراز تاسف کردند، بعضی خبر کامل را خواستند (توضیح اینکه سایتهای اینترنتی در ایران شدیداً فیلتر شده اند و دسترسی به اخبار مشکل شده) و یکی گفت: به من چه! و آن وقت بود که احساس کردم نفس کشیدن چه کار سختی است. دختر بچه ای ۱۴ ساله و پسر بچه ای ۱۵ ساله در رابطه ای وارد شده اند. دختر بچه به سنگسار محکوم شد. تا دیگر دختر بچه ها عبرت بگیرند و مرعوب شوند و فساد ریشه کن شود! این تمام آنچه زیست که جمهوری کثیف، آدمکش و جنایتکار اسلامی میگوید و ما اگر در مقابلش نایستیم انجام میدهد.

آیا ژیلها و تمام بچه های دیگر میدانند چرا محکوم شده اند؟ آیا ژیلها اطلاعاتی از مسائل جنسی داشته است؟ آیا به ژیلها و برادرانش گفته شده که چرا حق ندارند ارتباط جنسی داشته باشند؟ همانطور که حق ندارند مشوربات الکلی مصرف کنند. ولی ژیلها می بیند همکلامش از هفته پیش به مدرسه نیامده چون ازدواج کرده است. ۵ سال پیش برایش جشن تکلیف گرفته اند و عملاً او را برای بردگی جنسی در معرض عموم قرار

روز پیروزی ممنوعیت کامل تولید سلاحهای اتمی و تمام سلاحهای کشتار جمعی را اعلام خواهد کرد. مردم شریف جهان مخالف تولید و استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از جانب هر دولت و قدرتی هستند. وجود سلاحهای کشتار جمعی در دست دولت‌های بورژوازی چه از نوع دولت بوش و دولت‌های اروپایی، چه از نوع اسرائیل و پاکستان و امثال اینها، و چه از نوع جمهوری اسلامیش بزرگترین خطر برای همه مردم جهان است. انقلاب سوسیالیستی در ایران با اعلام ممنوعیت تولید سلاحهای

خلاص کند. *

انقلاب بعد از سرنگونی! و خانه نشینی پوپولیسم نو

حمید تقوائی



قیال هخا.

بحث بعد از مرگ شاه

"حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ... تصرف قدرت سیاسی را بعنوان شرط سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر هدف قرار میدهد." این بند اعلامیه اعلام موجودیت حزب رفقای سابق ما، خیلی مفید و مختصر کنه بینش راست این حزب را اعلام میکند. دوستان انقلاب را به بعد از تصرف قدرت سیاسی احاله کرده اند. انقلاب بعد از تصرف قدرت، درست مثل وعده های انتخاباتی در غرب و یا "بحث بعد از مرگ شاه" در دوره انقلاب ۵۷، یعنی انقلاب هیچوقت، یعنی انقلاب وقت گل نی! کسی علیه خودش انقلاب نمیکند. نمیشود اول قدرت سیاسی را گرفت و بعد انقلاب کرد. مگر بخواهید دنده عقب حرکت کنید! و یا مقصودتان از انقلاب اجتماعی طبقه کارگر چیزی شبیه انقلاب سفید آریامهری باشد. ممکن است گفته شود بحث بر سر انقلاب اجتماعی طبقه کارگر است و نه هر انقلابی. اما بستن این صفات به انقلاب هم مزایای سیاسی خودش را دارد. دوستان سنگ بزرگ برداشته اند که نزنند. "امروز، در این اوایلای جمهوری اسلامی و انقلاب اجتماعی طبقه کارگر؟! الحق که انسان باید بقول منصور حکمت از آن کمونیستهای افراطی کله شق یکدنده، و یا بقول دوستان ما چپ سنتی فرقه ای مریخی، باشد که فکر کند همین امروز میشود انقلاب اجتماعی طبقه کارگر را سازمان داد. رفقای سابق ما "واقع بین" شده اند. آنان نیز مانند وحدت کمونیستی و امثال بابک زهرانی سابق ادعا میکنند که به هیچ نوع انقلابی بجز انقلاب کمونیستی باور ندارند و حرفهای هوایی نمیزنند. دوستان با پر زمین سفت کردیورهای قدرت گذاشته اند، و با واقع بینی بجای انقلاب سواری، دیپلماسی سواری میکنند. صفت اجتماعی و طبقه کارگر آمده است تا کار را غیر ممکن جلوه بدهد. همانطور که برای امثال وحدت کمونیستی همین خواص را داشت. سنگ بزرگ علامت زدن است. اما اجازه بدهید برای روشن شدن

چه میکنند. حزبی ساخته اند و باید حفظ و تغذیه اش کنند، باید حزب داری کنند. و ظاهرا راهش را هم پیدا کرده اند. عرض خود میبرند و زحمت ما میدارند. اما ما وارد این میدان نمیشویم. ما بر خلاف این دوستان به حملات هیستریک شخصی برای توجیه وجودی خود نیازی نداریم. پاسخ این نوع حملات را هم نمیدهیم. حرف و نقد سیاسی ما روشن است. عرصه نبرد ما نقد تئوریک و سیاسی دیدگاه و بینش راست تحت لوای کمونیسم و منصور حکمت است. در پلمیک درونی حزب کار ما همین بود و از این پس نیز در نقد مواضع و سیاستهای حزب جدید همین شیوه را به پیش خواهیم برد. ما همانطور که در بیانیه حزب در مورد انشعاب اعلام کردیم، وظیفه داریم از آنجا که حزب جدید خود را کمونیست کارگری و حکمتیست مینامد با حساسیتی دو چندان سیاستها و مواضعش را مورد بررسی و نقد قرار بدهیم. در عین حال فعالیت حزب جدید تحت نام حکمتیسم و این واقعیت که رفقای سابق ما عضو این حزبند، ما را نسبت به لحن و شیوه این نقد نیز به همان درجه حساس و مراقب میکند. وارد شدن به میدان جنگ سردی علیه رفقای سابقمان و تکرار افتراات و اتهامات نخ ما شده ضد کمونیستی علیه آنها، هر اندازه هم که با سیاستهایشان مخالف باشیم، شیوه کار ما نیست. امیدواریم دوستان ما نیز چنین روشهایی را کنار بگذارند.

من در ادامه این نوشته دو مورد از موضع گیریهای حزب باصطلاح حکمتیست را بررسی میکنم و امیدوارم نشان بدهم که تا چه اندازه حکمتیسم یک نام بی مسمی برای این حزب است. مورد اول یک تز پایه ای و استراتژیک است که در بیانیه اعلام موجودیت حزب آمده و انقلاب را به بعد از تصرف قدرت سیاسی احاله میکند، و مورد دوم موضع تاکتیکی این حزب است در

دفاع از آن نیست. این نظرات در بیانیه حزب جدید (بجز در عبارت بسیار گویا و افشا کننده ای که انقلاب را به بعد از تصرف قدرت احاله میکند و پائین تر به آن میپردازم). مسکوت مانده است و در نوشته هایشان هم صریحا ابراز نمیشود. البته در موضع گیریهای مثل قضیه هخا و رهنمود مشعش "مردم در خانه بنشینید" دم خروس این بینش راست بیرون میزنند اما رسما و علنا پلاتفرم حزب جدید بر این بینش مبتنی نیست. این البته در خود فاکتور مثبتی است. نمیشود نظرات و تزهای نظیر "انقلابی در کار نیست" و "نویت کمونیستها نیست" و "سوسیالیسم مردم را رم میدهد" و دیگر نظرات مشعش رهبران انشعاب و حزب جدید را بر سر در حزب آویزان کرد و مدعی حکمتیسم هم بود! همان بهتر بگویند "این حرفها را کسی نزده" و "مقصودمان درک نشده" و "تفتیش عقاید نکنید" و برای نشان دادن تمایزشان با چپ سنتی به همان جمله "انقلاب بعد از تصرف قدرت" بسنده کنند. این در خود فاکتور مثبتی است اما این مسکوت گذاشتن بینش خود رهبران حزب جدید را با مشکل دیگری روبرو کرده است. این سؤال در برابر آنها قرار گرفته که علت وجودی این حزب چیست؟ چرا جدا شدید و چرا حزب ساختید؟ تفاوتهایتان با حزبی که ترک کردید در چیست؟ چه چیزی صفوف این حزب جدید را متحد میکند؟ پاسخ، اگر قرار باشد تنها و مواضع مطرح شده از جانب رهبران انشعاب را بروی خودمان نیاوریم، همانست که رهبری حزب جدید مجدانه مشغول آنست: نفرت پراکنی نسبت به حزب کمونیست کارگری و حمله شخصی به رهبران و شخصیتهای آن! بیانیه صادر کردن و دامن زدن به یک هیاهوی جرج اورولی و مک کارتیستی علیه حزب و رفقای سابق خودشان! سوء نیتی در کار نیست، دوستان سیاسی اند و خوب میدانند

ما پس از انشعاب و تشکیل حزب جدید بوسیله منشعبین در بیانیه ای اعلام کردیم که حساب این حزب را از نظرات و مواضع منشعبین جدا میدانیم و حزب جدید را بر اساس سیاستها و مواضعی که اتخاذ میکنند ارزیابی خواهیم کرد. اکنون هر چه بیشتر از آن تاریخ میگذرد بیشتر روشن میشود که متاسفانه چنین تمایزی وجود ندارد. حزب جدید در راهی پا میگذارد که رفقا خواستند پرچم سفیدش را در حزب ما بلند کنند و نتوانستند. پرچم "انقلابی در کار نیست" و "سوسیالیسم مطلوب مردم نیست!" نقد شدند، در جواب درماندند، هیستریک به همه چیز و همه کس تاختند، و رفتند.

این حملات هیستریک به حزب و شخصیتهای حزب ما در نشریات و سایتهای حزب جدید همچنان ادامه دارد. گوئی بدون فحش و تهمت و لیچار گوئی علیه حزب ما امرشان نمیگذرد. میخواهند علیه هخا موضع بگیرند، به مردم "رهنمود" بدهند که "در خانه بنشینید"، نشریه زنان منتشر کنند، سازمان پناهندگان را ترک کنند، سایتشان را راه بیاندازند و خلاصه دست به هر اقدامی میخواهند بزنند، باید اول حمله ای به ما بکنند و فحشی به حزب و رفقای سابق خودشان بدهند. چرا اینطور است؟ چرا این دوستان، که ظاهرا خیلی هم بر اجتماعی دین مکان احزاب تاکید دارند، اینقدر فرقه ای و غیر اجتماعی عمل میکنند؟

به نظر من مشکل این رفقای سابق ما معرفتی و یا اخلاقی نیست، مشکلشان بی هویتی سیاسی است. حمله به ما و نفرت پراکنی علیه شخصیتهای حزب ما چسب درونی حزب جدید است. این حزب بحران هویتی دارد. رهبران بر مبنای نظراتی از حزب ما جدا شده اند که نه خودشان و نه کسی در صفوف حزیشان - و نه اصولا هر کس که خود را چپ بداند - قادر به

بیشتر بحث قبول کنیم که قصد دوستان سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر بعد از سرنگونی است. در این صورت، اگر تفتیش عقاید نباشد باید از دوستان پرسید همین امروز برای سرنگونی جمهوری اسلامی چه باید کرد؟ اگر سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر در دستور نیست، چه کاری در دستور است؟ سازماندهی انقلاب غیر کارگری؟ انقلاب غیر اجتماعی طبقه کارگر؟ انقلاب دموکراتیک؟ یا شاید اصلا انقلابی در کار نیست، یک فروپاشی داریم که با دو درجه تخفیف میشود انقلاب دموکراتیک خواندش و تازه آنهم بنا به خصلتش کمونیستها را بقدرت نمیرساند. شاید در این دوره غیر انقلابی باید بطرق دیپلماتیک بقدرت رسید؟ احتیاجی به حدس و گمان و تفتیش عقاید نیست. نگاهی به مواضع دوستان انشعابی در بحثهای داخلی حزب ما پاسخ را روشن میکند.

خاصیت دیگر احاله انقلاب به بعد از تصرف قدرت، موکول کردن سوسیالیسم به محال است. معنی واقعی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر اعلام و پیاده کردن فوری سوسیالیسم پس از تصرف قدرت سیاسی است. حزبی که خود انقلاب را میخواهد تازه بعد از تصرف قدرت سازمان دهد، در واقع میگوید پیاده کردن سوسیالیسم در دستور نیست. کسی که کار امروز را به فردا موکول میکند، هم کار امروز و هم کاری که فردا باید کرد را تعطیل میکند! امروز دوره انقلاب نیست و فردا هم دوره پیاده کردن سوسیالیسم نیست! مساله واقعی، برای یک فعال جنبش کمونیسم کارگری و برای هر انقلابی کمونیستی که پایش روی زمین است و به توهم تصرف قدرت بدون انقلاب دچار نشده، اینست که چگونه باید با سازماندهی و رهبری انقلاب بقدرت رسید و چه طور باید پس از تصرف قدرت سوسیالیسم را عملی کرد و به اجرا در آورد. اما نه این و نه آن، هیچیک در برنامه دوستان ما نیست. با یک عبارت پردازی ظاهرا رادیکال در مورد "انقلاب اجتماعی طبقه کارگر" هم سازماندهی انقلاب، همین امروز و برای تصرف قدرت، از دستور خارج میشود و هم

اطلاعیه

تغییر طول موج رادیو انترناسیونال

به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال از ۳۱ اکتبر برابر با ۱۰ آبان، روی طول موج زمستانی پخش میشود.

از ۱۰ آبان، برنامه های رادیو انترناسیونال هر شب ساعت ۹ به وقت تهران، روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز پخش میشود.

تا ۱۰ آبان، برنامه های رادیو ساعت ۸ شب به وقت تهران روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز پخش میشود.

لطفا تغییر طول موج رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید.

مدیر رادیو انترناسیونال،

سیاوش دانشور

۱۸ اکتبر ۲۰۰۴

از صفحه ۱

محکومیت محاکمه احتمالی برخی از اعضای مجاهدین

اسلامی را برای امتیاز گرفتن از رژیم اسلامی در صحنه کشمکشهای سیاسی عراق قربانی محاکمه احتمالی برخی از اعضای

مجاهدین خلق به اتهام ترور مقامات آمریکایی در سه دهه قبل صرفا يك بهانه برای معامله با رژیم آدمکشان اسلامی در شرایط حاضر است. انتقال برخی از اعضای مجاهدین خلق به آمریکا يك آدم آشکار است. این يك بند و بست آشکار با رژیم آدمکشان اسلامی است. هیات حاکمه آمریکا با این اقدام خود قصد دارد بخشی از نیروهای اپوزیسیون جمهوری

این اقدام دولت آمریکا، در صورت صحت، يك تبانی آشکار با رژیم آدمکشان اسلامی است. محاکمه احتمالی برخی از اعضای مجاهدین خلق به اتهام ترور مقامات آمریکایی در سه دهه قبل صرفا يك بهانه برای معامله با رژیم آدمکشان اسلامی در شرایط حاضر است. انتقال برخی از اعضای مجاهدین خلق به آمریکا يك آدم آشکار است. این يك بند و بست آشکار با رژیم آدمکشان اسلامی است. هیات حاکمه آمریکا با این اقدام خود قصد دارد بخشی از نیروهای اپوزیسیون جمهوری

جریان سیاسی را به انکار واقعیت میرساند. اگر قرار است انقلاب سوسیالیستی را بعد از تصرف قدرت سیاسی سازمان داد بنابراین امروز نمیشود در خیابانها سوسیالیسم بپاخیز گفت. حتما دروغ میگویند. اگر قرار باشد رژیم فرو پاشد و انقلابی در کار نباشد، پس بهترست مردم در خانه بنشینند و اعتراض نکنند، و بالاخره اگر قرار باشد چسب داخلی حیزمان را حفظ کنیم باید حتما در مخالفت با رفقای سابقمان موضع بگیریم! هخا کاریکاتوری از راست مستاصل بود، رفقای سابق ما متأسفانه در این میان تصمیم گرفتند که در نقش کاریکاتور چپ وارد میدان شوند (یا در واقع در خانه بمانند). عاقبتشان به خیر باشد. *

از جانب راست در خیابانها داده میشود، این بار ما شاهد شعار "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم دوی درد مردم" در خیابانها بودیم. هخا گفت لباس سفید بپوشید و گل بدهید و از نافرمانی مدنی خارج نشوید و رفقای سابق ما گفتند در خانه بنشینید و با این وجود مردم به خیابانها آمدند و شعار دادند سوسیالیسم بپا خیز. دوستان! میگویند "عجیب است! دروغ است! جعلی است! غلو است! تنها یک نفر شعار داده! سوسیالیسم کسی را تهییج نمیکند!" برآستی رقت انگیزست. موضع "انقلابی در کار نیست"، "چپ در این انقلاب شانسی ندارد" و "مردم از سوسیالیسم رم میکنند" خواه ناخواه يك حزب و

کمونیستها نبود؟ از اینجا تا این نتیجه که انقلاب ۵۷ اشتباه بود و مردم نباید انقلاب میکردند راه چندان نیست. این نوع نقد انقلاب کاریست که سلطنت طلبان لس آنجلس نشین همیشه مشغول آن بوده اند. همان نیروهای که در ۱۸ تیر امسال نیز به مردم گفتند در خانه بنشینید و باقالی پلو بخورید. ظاهرا تفاوت موضع دوستان سابق ما با اپوزیسیون راست در همین باقالی پلوس است. بر سر دعوت به خانه نشینی دعوائی ندارند. ایستادن جلوی حرکت مردم يك نتیجه این دید متافیزیکی و فالتیستی در مورد انقلاب است. نتیجه دیگر، راه دیگری که اکتیویستهای "غیر سنتی" که خودشان میخواهند بخانه نروند و در میدان سیاست باشند در پیش میگیرند، دخالت از بالاست. نتیجه ای که امثال بابک زهرانی گرفتند و سر از دفتر بنی صدر در آوردند. دوستان ما هم نمیخواهند خودشان بهمره مردم بخانه بروند و دیپلماسی دخالت از بالایشان را از هم اکنون حاضر و آماده کرده اند. اگر چپ سنتی چیزی را درباره انقلاب ۵۷ نفهمید همین نکته بود که این انقلاب ربطی به اسلام و خمینی و نیروهای خلقی از این قبیل نداشت. انقلابی بود علیه دیکتاتوری شاه که کسی مثل منصور حکمت سخنگو و نماینده اش. دوستان ما اگر همین خطر را در ارزیابی از انقلاب ۵۷ و حرکات اعتراضی امروز مردم ادامه بدهند از همانجا سر در میآورند که منصور حکمت در نقدشان تاریخ شکست نخوردگان را نوشت. حرکت مردم را بحساب هخا نوشتن تنها کاریکاتوری است از نظرات و نیروهای سیاسی چپ و راستی که کل تاریخ شکست نخوردگان در مقابل با آنها شکل گرفته است. اما موضع رادیکال و عملی و فعال و دخالتگر در برخورد به جریان هخا همانست که همیشه حزب ما در برخورد به چنین مواردی داشته است: نقد جریانات راست و در همانحال دعوت مردم به اعتراض مستقل خود در شکافها و محملها و بهانه هائی که بالائی ها برای دخالت مردم بوجود می آورند. اگر قبلا شعار آزادی و برابری در مقابل دعوت به سکون و باقالی پلو خوردن

بحساب خود گذاشت و احساس مجاهدت کرد! آیا این اولین بار بود که يك نیروی راست فراخوان يك حرکت اعتراضی میداد؟ آیا بارها و بارها مردم به فراخوان شخصیتهای دو خردادی و نهادهای نظیر دفتر تحکیم وحدت به خیابانها تریخته بودند؟ و در تمام این موارد هم اعتراض مستقل خودشان را نکرده بودند؟ آیا کل خیزش ۱۸ تیر با اعتراض به بسته شده روزنامه دو خردادی سلام شروع نشد؟ در کدامیک از این موارد ما مردم را به خانه نشینی دعوت کردیم؟ ما حتی در انتخابات مجلس اسلامی به مردم نگفتیم از خانه بیرون نیائید. حتی در انتخابات دور اول ریاست جمهوری خاتمی اعلام کردیم که رای مردم به او بخاطر ضدیتشان با ولی فقیه است و این رای را به حساب نفوذ و قدرت جنبش دو خرداد نوشتیم. باید پرسید چه چیزی عوض شده که امروز در شرایطی که نفوذ چپ و کمونیسم کارگری بیشتر از گذشته و نفوذ راست بسیار کمتر شده است باید اعتراض مردم را بحساب راست بنویسیم و از حرکتشان جلوگیری کنیم؟! چیزی عوض نشده است، جز خط و بینش رفقای سابق ما. حزبی که معتقد است انقلابی در کار نیست و در دوران فروپاشی به سر میریم ناگزیر به این نتیجه هم میرسد که راست دست بالا را دارد و حرکت انقلابی مردم را یکجا بحساب اپوزیسیون راست میگذارد. هیچ حزب و نیروی سیاسی و هیچ بخشی از مردم معترض هخا را باندازه منشعبیون عزیز ما جدی نگرفت و برایش اعتبار نخرید. هخا را با خمینی سال ۵۷، و ما را با چپ سنتی آن سالها مقایسه میکنند! حس تناسب هم خوب چیزی است! حتی اپوزیسیون راست چنین تصویری از جایگاه خود و حزب ما ندارد که رفقای سابق ما میخواهند بدست بدهند. اما حتی اگر اینطور باشد و چپ و راست همان نسبت وازگونه ای را داشته باشند که رفقای ما مدعی هستند باز معلوم نیست چرا باید مردم را به خانه نشستن دعوت کرد. آیا در انقلاب ۵۷ چپ باید به مردم میگفت در خانه بنشینند چون خمینی دست بالا را دارد؟ آیا انقلاب ۵۷ بخاطر نفوذ و هژمونی اسلامی در آن قابل حمایت و دخالت از جانب

اجرای سوسیالیسم در فردای تصرف قدرت سیاسی. همان بینش و همان نظرات است. همان "سوسیالیسم مردم را رم میدهد"، همان "انقلابی در کار نیست"، همان "توبت کمونیستها نیست"، همان نظرات است که در بسته بندی جدید و ظاهرالصلاح تری در بیانیه اعلام موجودیت حزب رفقای سابق ما اعلام میشود. دوستان، این حرفها ربطی به حکمتیسم ندارد، اینها از بینش و دستگاه فکری ناشی میشود که منصور حکمت عمری را بر سر نقد و طرد آن از صفوف جنبش کمونیستی گذاشت. این احیای لیبرالیسم چپ و پوپولیسم در برخورد به انقلاب و سوسیالیسم است. دوستان نام آنتی حکمتیسم بیشتر برانزده حزب شماست.

هخا و فراخوان درخشان "درخانه بنشینید"

اگر در بیانیه اعلام موجودیت باید بینش پوپولیستی دوستان در مورد انقلاب و سوسیالیسم را از لابلای عبارات بیرون کشید، در موضع آنان در مورد حرکات اعتراضی اخیر مردم این بینش راست به صراحت و تمام قد به میدان آمد (یا در واقع در خانه نشست!). رفقای سابق ما از اینکه يك ناسیونالیست دست راستی فراخوان تظاهرات داده است به این نتیجه درخشان رسیدند که مردم باید در خانه بنشینند. به این نتیجه رسیدند که مردم بخاطر توهم به هخا و تحت تاثیر نفوذ اپوزیسیون راست اعتراض میکنند و وظیفه انقلابی شان را در این دیدند که جلوی حرکت مردم بایستند. ناگهان بیاد تظاهرات تاسوعا و عاشور علیه شاه افتادند و به حزب ما تاخند که مثل چپ سنتی آن دوره میخواهیم انقلاب سواری کنیم!

هر دم از این باغ بری میرسد. لاید وقتی قرار باشد سکوت و مخفی کردن عقاید نشانه اجتماعی بودن و غیر فرقه ای بودن قلمداد شود، فراخوان هیچ کاری نکنید هم باید عین انقلابیگری و دخالتگری بحساب بیاید. بخصوص که این فراخوان این حسن را دارد که خانه نشینی اکثریت مردم را میشود

بیانیه اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری چپ عراق

بدین وسیله تاسیس حزب کمونیست کارگری چپ عراق را اعلام میکنیم.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق یک حزب مارکسیست انترناسیونالیست است که هدفش سازماندهی انقلاب اجتماعی در عراق و رسیدن به سوسیالیسم است. حزب کمونیست کارگری چپ عراق به جنبش کمونیسم کارگری تعلق دارد و "دنیای بهتر" را برنامه خود اعلام میکند. این حزب برای یک دنیای بهتر که عاری از استثمار، بردگی و تحقیر انسان است مبارزه میکند. این حزب تلاش میکند از طریق یک انقلاب اجتماعی و بلافاصله به سوسیالیسم برسد که در آن کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید لغو شده است. این خصلت اصلی حزب کمونیست کارگری چپ است. حزب کمونیست کارگری چپ عراق بر این باور است که کمونیسم جنبشی موجود و عینی در داخل طبقه کارگر در عراق و جهان است. حزب تلاش میکند طبقه کارگر و مردم عراق را برای یک انقلاب اجتماعی، تصرف قدرت سیاسی و

اعلام فوری سوسیالیسم سازمان دهد.

این حزب توسط کمونیستهایی بنیاد گذاشته شده است که معتقدند رهبری فعلی حزب کمونیست کارگری عراق، سنت انقلابی و سوسیالیستی کمونیسم کارگری را ترک کرده است. سنتی که توسط پایه گزار این جنبش، منصور حکمت بنیان گذاشته شده است.

این تفاوت اساسی میان حزب کمونیست کارگری چپ و حزب کمونیست کارگری موجود است. رهبری حزب کمونیست کارگری به صفوف گرایش راستی در جنبش کمونیستی پیوسته است که توسط حزب باصطلاح حکمتیستها که از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شده اند نمایندگی میشود.

جهت گیری راست این گرایش بوضوح در نظرات سیاسی ای نمایان میشوند که در آنها دو مسئله اصلی یعنی انقلاب و سوسیالیسم کنار گذاشته است. بیانیه اعلام موجودیت حزب باصطلاح حکمتیست، انقلاب سوسیالیستی را رد میکند و آنرا به بعد از تصرف قدرت سیاسی

موکول میکنند! بر طبق این گرایش راست، سوسیالیسم یک امر فوری و قابل اجرا نیست چون مردم به آن تمایلی ندارند. این گرایش، انقلاب به عنوان مطلوبترین و عملیترین راه سرنگونی حکومت بورژوازی را رد میکند. انقلاب، بر طبق این گرایش یک عمل خشونت آمیز است که باید بوسیله روشهای مدنی از قبیل نافرمانی مدنی، دیپلماسی، چانه زنی سیاسی و مذاکره با بورژوازی برای رسیدن به قدرت جایگزین شود. این تزها بوضوح توسط گرایش راست در جریان مباحثات درونی حزب کمونیست کارگری ایران اعلام شدند. به علاوه، گرایش راست بیانیه ای تحت عنوان "بیانیه ۲۱ عضو" منتشر کرد که یک بیانیه صریحا ضد کمونیستی است. رهبری حزب کمونیست کارگری عراق تماما از این سند ضد کمونیستی حمایت کرده است.

اگر سیاستهای حزب کمونیست کارگری در عراق در چهارچوب همین گرایش راست پیش برود، مستقل از مقاصد طرفدارانش، حزب را به مانعی در مقابل رسیدن به انقلاب

سوسیالیستی در عراق تبدیل خواهد کرد. این شاخص خطرناکی است که نشان میدهد رهبری حزب کمونیست کارگری عراق پایه های اجتماعی کمونیسم کارگری در عراق را قربانی کرده و در معرض خطرات حیاتی بیشتری قرار خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق با تمام قدرت از کمونیسم کارگری در عراق در مقابل هر تلاشی برای منحرف کردن راه آن و پایین آوردن پرچم انقلاب سوسیالیستی دفاع خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری چپ از همه مردم عراق، از کارگران، و از دوستداران آزادی و برابری دعوت میکند که به صفوف این حزب بپیوندند.

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد اتحاد جهانی طبقه کارگر
زنده باد منصور حکمت

موسسین: آزاد حمه کریم، پژار الشاعر، بهار عمر، بگارد وهاب، جلیل شهباز، حسن گمبی، حمید خلف البصری، خبات مجید، خیال ابراهیم، دلسوز نوری، ستار حمه

علی (ستاری چمنتو)، سردار عبدالله (حلبجه ای)، سرگل احمد، سمیر نوری، سهیلا حسن، سیاوش مدرسی، صباح ابراهیم، عصام شگری، علی جوادی، فاتح بهرامی، کاوه عمر، ماریا گمبی، محسن ابراهیمی، محمد آسنگران، مریم جمیل، مصطفی عرب، نوزاد خالد، نورالدین عبدالقادر.

از طرف موسسین حزب، اعضا زیر به عنوان کمیته اجرایی با وظیفه سازماندهی ارگانهای حزبی تا اولین کنفرانس آن در نظر گرفته شده اند:

کمیته اجرایی: آزاد حمه کریم، پژار الشاعر، جلیل شهباز، حسن گمبی، خبات مجید، خیال ابراهیم، ستار حمه علی (ستاری چمنتو)، سردار عبدالله (حلبجه ای)، سمیر نوری، سیاوش مدرسی، صباح ابراهیم، عصام شگری، علی جوادی، فاتح بهرامی، کاوه عمر، محسن ابراهیمی، محمد آسنگران، مریم جمیل.
۱۷ اکتبر ۲۰۰۴

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت تشکیل حزب کمونیست کارگری چپ عراق

تشکیل حزب کمونیست کارگری چپ عراق را به رفقای موسس آن و به طبقه کارگر و مردم عراق تبریک میگوئیم.

تشکیل حزب کمونیست کارگری چپ در عراق یک ضرورت بود. با عروج و خروج گرایش راست در حزب کمونیست کارگری ایران و گرویدن تمام و کمال رهبری حزب کمونیست کارگری عراق به این گرایش، ناگزیر باید جنبش

کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت در عراق به شکل دیگری نمایندگی میشد. رهبری حزب کمونیسم کارگری عراق شتابزده و بیقید و شرط به انشعاب و حزب آنان پیوست و راه را بر امکان هرگونه طرح و معرفی بحث و موضعگیری اصولی حول اختلاف نظرات عمیقی که در حزب ما و به این اعتبار در کل جنبش کمونیسم کارگری مطرح شده بود، در صفوف

حزب خود مسدود کرد. رهبری حزب عراق تا کنون در واقع مانند شاخه ای از انشعابین عمل کرده و باین ترتیب راه خود را از خط چپ و رادیکال و سوسیالیستی کمونیسم کارگری جدا کرده است. در این شرایط تنها راه ایجاد حزبی بود که در برابر نفوذ نظرات راست در جنبش کارگری و کمونیستی عراق بایستد و پرچم انقلاب و سوسیالیسم را برافراشته نگاهدارد.

حزب کمونیست کارگری چپ همانطور که در بیانیه اعلام موجودیت آن تصریح شده در پاسخ به این ضرورت تشکیل میشود. این حزب تشکیل میشود تا به وظایف خطیر انقلابی و سوسیالیستی جنبش ما در شرایط پیچیده عراق پاسخ بدهد. ما با تمام توان خود از حزب کمونیست کارگری چپ حمایت میکنیم و آنرا در انجام وظایف عظیمش یاری

میرسانیم. با آرزوی پیشروی و موفقیت هر چه بیشتر برای حزب کمونیست کارگری چپ در انجام وظایف خطیری که در برابر خود دارد.

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اکتبر ۲۰۰۴

"ایران کشوری ناامن است!"

گفتگو با دبیران واحدهای فدراسیون در سوئد

مجموعه‌ای از اعتراض و تحسن و تظاهرات در هفته‌های اخیر در سوئد توسط فدراسیون پناهندگان ایرانی علیه سیاست اخراج و در دفاع از حقوق پناهجویان در سوئد در جریان بوده است. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد سازمانی معتبر و گسترده است که از حمایت وسیع پناهجویان برخوردار است. مسئولین این سازمان در هر شهری از افراد خوشنام و شخصیت‌های شناخته شده در میان ایرانیان مقیم سوئد هستند. مضافاً اینکه فدراسیون و دفاتر و فعالیتهایش توانسته‌اند بحث حقوق پناهنده را به سطح میدیای این جامعه بکشانند و یک طرف مذاکره با دوائر دولتی در باره مسائل پناهجویان هستند. امروز فدراسیون پناهندگان ایرانی در سوئد یک سازمان توده‌ای، رادیکال و با قدرت عمل گسترده است و به همین دلیل به نقطه امید پناهجویان تبدیل شده است. پیرامون اعتراضات اخیر پای صحبت مسئولین فدراسیون در سوئد نشستیم:

انترناسیونال: شما سازمانده تحسن اخیر در گوتنبرگ بودید. خواست شما در این تحسن چی بود؟ چه نتایجی گرفتید و تاثیر این حرکت اخیر در میان پناهجویان و همینطور فضای عمومی شهر چگونه بود؟



عبه اسدی: اجازه بدهید ابتدا و بطور مختصر به موقعیتی که پناهجویان در سوئد با آن روبرو می باشند بپردازم، تا جایگاه و اهمیت این تحسن و فعالیت‌های دیگری که فدراسیون پناهندگان ایرانی در سوئد و در دفاع از حق پناهندگی انجام می دهد ملموس و روشنتر شود. پناهجویان ایرانی با مشکلات متعددی در سوئد روبرو هستند. همگی جواب رد میگیرند و به زندگی مخفی پناه می برند و از طریق کار سیاه و دستمزد بسیار پایینی زندگی خود را تأمین میکنند. همه از آینده خود نگران هستند. هیچ نشانی از بهبود در زندگی پناهندگی آنها دیده نمیشود. امروز در سوئد هیچ پناهنده‌ای به طور نرمال و بر طبق روال گذشته، حق پناهندگی اش از سوی دولت به رسمیت شناخته نمیشود. تمامی پناهجویان در مرحله اول از طرف اداره مهاجرت جواب رد میگیرند.

۱- توقف فوری اخراج پناهجویان به ایران.
۲- بررسی مجدد پرونده پناهجویان مخفی و برسمیت شناختن حق پناهندگی آنها.
۳- برسمیت شناختن ایران به عنوان کشوری ناامن و ناقض حقوق انسان.

عکس العمل مردم بی نظیر و کم سابقه بود. در ساعت‌های اولیه، کارکنان و مسئولین حزب چپ سوئد در آن محل از پیوستن مردم به این

انترناسیونال: در استکهلم فدراسیون سازمانی معتبر و شناخته شده است. نقش فدراسیون در دوره اخیر در رهبری و هدایت اعتراضات پناهجویان چه بوده است؟ در استکهلم چه برنامه‌ای دارید؟



کیما پاروکی: با تشکر و با سلام به شما و خوانندگان عزیز انترناسیونال. گریز صدها و هزاران نفر از مرزهای وحشت حکومت اسلامی، جستجوی مکانی امن تر، همواره با مشکلات و مصائب بیشماری همراه هست. زندگی پناهندگی دشوار است و قوانین سختگیرانه هر روز بر ابعاد این مصائب اضافه میکند. ما این دوره را دقیقاً درک میکنیم و برایش پاسخ و نقشه داریم. پناهجویان به مکانی، به امکانی نیاز دارند که به مشکلات آنها پاسخ دهد. و این دقیقاً نقش فدراسیون است. پاسخ و چاره جویی، ایجاد امید و نشان دادن راه درست، اطمینان خاطر ایجاد میکند. همین خصوصیت در دوره ای طولانی تشکل فدراسیون را به یک نقطه امید بزرگ برای پناهنده بدل کرده است. شما باید از نزدیک رشد شخصیتی این افراد را ببینید!

ما افق روشنی داریم! همین را مقابل پناهنده قرار می دهیم، امکانی که پناهنده پیش از هر چیز به قدرت جمعی اش پی ببرد، با هم سرنوشتانش متحد شود، بجای احساس بیگانگی با محیط جدید خود را صاحب آن بداند. بجای بکار بردن کلمه ناپسند "غربت" که از بیگانگی انسانها با هم ناشی می شود، از قدرت جمع، از "ما" و توانائی‌های جدید بهره ببرد. انزوا و گوشه گیری را بکناری بگذارد و برای بدست گرفتن سرنوشتش تصمیم قاطع بگیرد. ما افق هم پیمانی و اتحاد برای تحقق حقوق پناهندگی را سر لوجه کارمان قرار داده ایم. این سیل اطمینان دقیقاً پاسخ مثبت به این افق است. ما موفق شدیم فضایی ایجاد کنیم که

صدها انسان با یکدیگر هم پیمان

شوند و نشان دهند که سزوار بزرگترین پشتیبانی‌ها هستند. ما فضای بین پناهجو و دیگران را که ساهاست اقامت دارند تحت تاثیر قرار دادیم و امروز قادر هستیم از توانائی‌های قابل اتکایی استفاده ببریم.

احزاب دست راستی دارند مسئله پناهندگی در سوئد را به یک کیس جنائی بدل میکنند، ما سخت و قوی در مقابل آن ایستادیم و با سازمان دادن و براه انداختن تظاهراتی وسیع و کوبنده، پاسخ اینها را در خیابانها دادیم و نقاب از چهره شان کشیدیم! در روز روشن در مقابل صدها نفر در مقابل پارلمان سوئد پانل و مناظره ترتیب دادیم و در مقابل راه حل‌های مزورانه آنها، حرف دل پناهجو را زدیم و قانون پیشنهادهای دولت را برای حذف استنیاف عملاً شکست دادیم! وزیر امور مهاجرین را مجبور کردیم که با زبان خودش رسماً بگوید که ایران کشوری نا امن است. در عین حال بگویم که بیش از هر چیز فدراسیون و مسئولین آن باید در دسترس باشند. آماده اقدامات عاجل و فوری باشند! تحرك و عکس العمل فوری یکی از ویژگی‌هایی است که ما امروز در واقع به آن مجهز شده ایم. سازمانی کارآمد، موثر و مفید، حتما در دل صدها خانواده جای می گیرد و نقل مجلس می شود که شده است! امکاناتی که به همین اعتبار از آن برخورداریم در نوع خود منحصر به فرد است. به همین یکی دو مورد اخیر، که کیسهای سنگینی برای ما بودند، نگاه کنید؛ ما توانستیم با قدرت تمام تقریباً همه پروژهای دیپورت پناهجویان ایرانی را یکی بعد از دیگری خنثی کنیم. به ضرب حضور مثبت در مدیا و عرصه‌های اجتماعی، وجدان آگاه و بیدار جامعه را با خودمان همراه کنیم. و حالا در تدارک یک برنامه مفصل دیگر برای تحت تاثیر قرار دادن هر چه گسترده تر افکار عمومی هستیم. بزودی تحسن برنامه ریزی شده‌ای را از دوم نوامبر آغاز می کنیم.

انترناسیونال: نتایج تحسن در شهر مالمو چه بود و چه تاثیری در اتحاد پناهجویان علیه وضعیت

→
فعلی داشت؟



حسن صالحی: قبل از اینکه به این سؤال شما بطور مشخص جواب دهم، مایل بودم که آماری مربوط به پناهندگان ایرانی را مرور کنم. در سال ۲۰۰۳، ۸۵۴ مورد درخواست متقاضیان پناهندگی از ایران مورد رسیدگی قرار گرفته و از میان آنها فقط ۸۴ مورد به کسب اجازه اقامت منجر شده است. این یعنی ۱۰ درصد. به این ترتیب ۹۰ درصد یا ۶۷۰ مورد از درخواستهای پناهندگان ایرانی جواب رد گرفته اند و شماری نیز بیدرنگ پس از تسلیم تقاضای پناهندگیشان به ایران و یا کشور سوم دیپورت شده اند. از تعداد ۷۸۷ متقاضیان پناهندگی از ایران در سال گذشته، ۱۶۷ نفر کودکان تا سن ۱۷ سال بوده اند و ۱۴ نفر کودکانی که بدون والدین خود به اینجا آمده اند. با این میزان کم پذیرش پناهنده و خانواده هایی که به همراه فرزندان شان جواب منفی می گیرند، می توانید تصورش را بکنید چه فشاری بر دوش پناهندگان قرار دارد. اینها انگیزه اعتراض پناهندگان را تشکیل می دهد. ما در شهر مالمو پناهندگانی را داریم که چندین سال را بطور مخفی و محروم از هرگونه امکاناتی زندگی کرده اند. سؤال این بود که آیا باید زانوی غم در بغل گرفت و یا علیه این وضع کاری کرد؟ پاسخ همه پناهندگان این بود که باید اعتراض و مبارزه را سازمان داد. از این رو تحصن ۲ روزه ای در شهر مالمو طی روزهای ۱۴ و ۱۵ اکتبر سازمان داده شد که خود پناهندگان در تدارک و برگزاری آن شرکت فعال داشتند. در طی دو روز تحصن، گفتگو و بحث در مورد سخت شدن مقررات پذیرش پناهنده و راه های موفقیت در میان پناهیویان بشدت داغ بود. تقریباً همه متفق القول بودند که موثرترین شیوه پذیرفته شدن به عنوان پناهنده، مبارزه یکپارچه و خستگی ناپذیر جهت عقب راندن موج تعرض نسبت

به حقوق پناهندگی از سوی دولت سوئد است. از این رو، روحیه پناهیویان بسیار قوی و میل مبارزه در میان آنان بشدت بالا بود. گزارشی از این تحصن از رادیوی فارسی زبان و سراسری پژواک پخش شد و خبرنگاری از شبکه اول رادیو سوئد PI در این تحصن شرکت کرد و با چند تن از متحصنین به گفتگو نشست. طی این دو روز عده ای از مردم به دیدار متحصنین آمدند و مراتب پشتیبانی خود از خواستهای برحق پناهیویان را اعلام داشتند. همچنین نماینده ای از طرف پناهیویان عراقی، که در روزهای اخیر در کلیسایی در شهر مالمو متحصن شده بودند، در محل تحصن حضور یافت و مراتب همبستگی پناهیویان عراقی را با پناهیویان متحصن اعلام کرد. از سوی دیگر برای پیشبرد مبارزه ای گسترده تر، پناهیویان اقدام به جمع آوری کمک مالی کردند که از سوی مردم با استقبال خوبی روبرو گردید. همه اینها امید تازه ای به پناهندگان داد بطوریکه در پایان این تحصن دو روزه همه در مورد این صحبت می کردند که چگونه اعتراض و مبارزه را ادامه دهند. در این زمینه ایده ها و ابتکارات ارزنده ای مطرح شد که همه بر جلب وسیع ترین افکار عمومی از خواستهای انسانی پناهندگان و از این طریق تحت فشار گذاشتن همه جانبه دولت سوئد برای تجدید نظر در سیاست پناهنده پذیری اش تاکید داشت.

انترناسیونال: مجموعه اقدامات کنونی در سوئد نگاهها را به فدراسیون پناهندگان معطوف کرده است. برنامه فدراسیون در سوئد برای مقابله با اخراج و وسیعتر کردن این اعتراضات چیست؟



اسماعیل مولودی: فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تشکلی خوش نام و با اتوریته است. در طول بیش از پانزده سال در صف مقدم اعتراضات اجتماعی پناهیویان و

ایرانیان آزاده در سوئد بوده و هست. بنا براین بر طبق این وظیفه ما خود را موظف میدانیم که مبارزات اجتماعی و اعتراضات خیابانی پناهیویان را سازمان داده و به سرانجامی برسانیم. ما در دو عرصه این کار را کرده ایم و پیش میبریم. یکی عرصه اعتراضات اجتماعی یعنی سازمان دادن پناهیویان، متشکل کردنشان، همکاری با سازمانها و تشکلهایی که در این عرصه کار میکنند مثل آسپل کمیته، سازمان (هیچ کس غیر قانونی نیست) و نیز احزاب سوئدی مثل حزب چپ و اوفنسیو یا حزب سبزها. این عرصه برای ما پشتوانه پیشبرد مبارزاتمان است برای جلب افکار عمومی در جامعه سوئد، متوجه کردن افکار عمومی به سیاست غیر انسانی پناهنده پذیری در سوئد و جلب حمایت مردم از پناهیویان بخصوص پناهیویان مخفی و کودکان پناهیویان. افشا جنایتهای جمهوری اسلامی است. ما این عرصه را روز بروز گسترش میدهیم و اتحاد و همبستگی پناهیویان را تقویت میکنیم تا رسیدن به خواست هایمان که اعلام ایران بعنوان کشوری نا امن، متوقف کردن فوری اخراج پناهیویان و دادن اقامت به کلیه پناهیویانی که در سوئد هستند، ادامه میدهیم.

عرصه دیگری که ما درگیر هستیم، تماس با دولت و دیپلماسی در مورد اینکه دولت را متوجه کنیم که در ایران جمهوری اسلامی چی میگردد، چرا مردم از جمهوری اسلامی فرار میکنند. در این زمینه مورد نامه اعتراضی فدراسیون به وزارت خارجه سوئد در مورد اعدام عاطفه رجبی، که در ۱۷ اوت در شهر نکا مازندران اتفاق افتاد، مثالی است. ما توجه را به این فاجعه جلب کردیم و در این رابطه وزیر امور خارجه جواب داد. بنابراین فدراسیون برای رسیدن به اهداف خود از دو عرصه مهم استفاده میکند. اعتراضات خیابانی و دیپلماسی فشار به دولت سوئد آوردن. *

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اخبار اعتراضات کارگری

اتوبوسرانی اهواز: روز ۲۹ مهرماه، کارگران اتوبوسرانی اهواز در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدها دست به یک اعتصاب هشدار یکساعته زدند. کارگران آنها رسیدگی نشود، ظرف ۱۰ روز آینده مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد. بیش از ۲ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است و مزایایی که به کارگران تعلق می گیرد از قبیل لوازم تحریر به فرزندان کارگران و همچنین اقلام مصرفی و خواربار به کارگران داده نشده است.

شرکت باف ایران (اراک):

کارگران این کارخانه در مقابل اجحافات کارفرما برای مجبور کردن کارگران به امضای قرارداد موقت ایستادگی می کنند. کارفرما ۴ ماه حقوق کارگران را گرو گرفته است تا آنها را وادار به امضای قرارداد موقت کند. تا کنون ۶ نفر از کارگران بدلیل عدم امضای قرارداد موقت کار از کار بیکار شده اند. با وجود استفاده حربه تهدید به اخراج از سوی کارفرما، کارگران از امضای قرارداد موقت امتناع می کنند. کارفرما مبادرت به استخدام کارگران کر و لال کرده است و بطور توهین آمیزی گفته است که "من کارگری می خواهم که حرفی نشنود و کلامی نگوید". کارگران بر حق مسلم خود یعنی استخدام ثابت و پرداخت فوری دستمزدها اصرار دارند.

کارخانه میره ای کرج:

این کارخانه تولید نساجی و نخ در مقابل اخراج مقاومت میکنند. کارفرما تصمیم دارد که از طریق انتقال کارخانه به شهرهای دیگر ۹۰ کارگر شاغل این کارخانه را از کار بیکار سازد. تلاش کارفرما برای خروج دستگاههای کارخانه با عکس العمل شدید کارگران روبرو شد بطوریکه این اقدام کارفرما به شکست انجامید. کارگران خواهان حفظ شغل های خود هستند و نمی خواهند که تغییر در نحوه تولید منجر به بیکارسازی کارگران شود.

برج میلاد تهران:

حزب در ۲۹ مهرماه خبر میدهد که کارگران مخبراتی برج میلاد، که بعنوان بزرگترین برج مخابراتی خاورمیانه

کارخانه پاکریس سمنان:

۲۷ مهرماه کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی پاکریس مهدشهر سمنان با اجتماع در محوطه داخل کارخانه دست به اعتراض زدند. کارگران نسبت به عدم پرداخت سه ماه حقوق و مزایای خود معترضند. این کارخانه متعلق به بنیاد مستضعفان است. بنا به خبر ۲۰۷ نفر از کارگران این کارخانه اخراج و یا بازخرید شده اند.

نساجی بابکان آمل:

مهرماه کارگران نساجی بابکان آمل در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدها و همچنین تعطیل شدن این کارخانه و بیکاری اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کردند. کارگران این کارخانه حدود ۳ ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند و با تعطیل شدن کارخانه بدلیل بدهی های زیاد، در معرض خطر بیکاری هستند. اعتراض کارگران در محل کارخانه نساجی بابکان انجام گرفت و در اجتماع اعتراضی کارگران کارفرمای کارخانه مورد بازخواست شدید قرار گرفت.

کارخانه بهمن پلاستیک:

کارگران این کارخانه حدود ۴ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و در وضعیت بلا تکلیفی بسر می برند. مدیریت این کارخانه با امتناع از پرداخت دستمزد کارگران، این کارخانه را به حال خود رها کرده و در صدد بوده است که ماشین آلات آنرا به محل دیگری منتقل کند. کارگران در مقابل این اقدام از خود مقاومت نشان دادند و با گرو گرفتن دستگاه های کارخانه خواستار پرداخت دستمزدها و حفظ شغل

←

قطعنامه پیرامون تلاشهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی

مصوب دفتر سیاسی، باتفاق آرا

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به سلاحهای کشتار اتمی باعث تشدید کشمکش و مخاطرات اتمی در سطح جهان شده است. دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی یک نگرانی جدی مردم متمدن در سطح جهان است. رئیس سیاست حزب کمونیست کارگری در تقابل با این وضعیت بر مبنای زیر استوار است.

۱- حزب کمونیست کارگری خواهان پایان دادن فوری به مسابقه

خونبار تسلیحاتی اتمی و نابودی تمامی سلاحهای کشتار دسته جمعی موجود در جهان است. حزب کمونیست کارگری خود را بخشی از جنبش بشریت متمدن برای نابودی سلاحهای کشتار دسته جمعی میداند.

۲- حزب کمونیست کارگری تلاشهای رژیم اسلامی بمنظور دستیابی به سلاحهای اتمی را شدیداً محکوم میکند. در کارنامه قطب اسلام سیاسی لیست طویلی از

جنایات تکان دهنده از سنگسار و قصاص و سربریدن و تروریسم روزمره گرفته تا جهاد اسلامی و کشتار کودکان و قتل عام انسانهای بیگناه قرار دارد. این اردوگاه اکنون به یک قطب فعال تروریسم بین المللی و یک پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه تبدیل شده است. تجهیز رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی، تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی را به نیرویی اتمی تبدیل خواهد کرد که میتواند خاورمیانه را به ورطه نابودی بکشد.

۳- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که اطمینان خاطر قطعی و جلوگیری از دستیابی رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی تنها با سرنگونی رژیم اسلامی توسط توده های مردم ممکن است.

۴- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که سیاست آمریکا و متحدینش مبنی بر خلع سلاح اتمی جمهوری اسلامی کوچکترین ربطی به صلح و مصون داشتن مردم از مخاطرات اتمی نداشته بر عکس تلاش برای حفظ کنترل انحصاری بر سلاحهای کشتار دسته جمعی و اتمی در سطح جهان است. آمریکا و متحدینش تماماً نیروهای اتمی هستند. آمریکا تنها نیرویی است که سلاح اتمی علیه انسانها بکار برده و صدها هزار مردم بیگناه ناکازاکی و هیروشیما را در ظرف چند ثانیه تبدیل به خاکستر کرده است. پرونده این قطب جهانی تروریسم دولتی و قدر قدرتی امپریالیستی، عیان و غیر قابل انکار جلوی چشم جهانیان است.

۵- حزب کمونیست کارگری در

عین حال که بطور همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه میکند، هرگونه حمله ماجراجویانه نظامی آمریکا و اسرائیل و متحدینشان را به تاسیسات هسته ای و یا تحریم اقتصادی ایران را که مصائب ناگوار بسیاری برای مردم بدنبال خواهد داشت، قویاً محکوم میکند.

۶- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که در فردای سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی در ایران تضمین خواهد کرد که نظام آتی ایران نه تنها یک نیروی مجهز به سلاحهای اتمی نیست بلکه پرچمدار مبارزه ای همه جانبه برای نابودی سلاحهای اتمی و کشتار دسته جمعی در سطح جهان خواهد بود.

جوانان علیه رمضان و آپارتاید جنسی

گسترده اخیر در دانشگاههای آزاد اصفهان و نجف آباد در مقابل تعدیات رژیم برای تحمیل حجاب و مقررات اسلامی صورت میگیرد.

کرمانشاه: روز ۲۲ مهرماه بدنبال فوتبال میان تیم های ایران و قطر، جمع کثیری از مردم بویژه جوانان به خیابان آمدند و تجمع بزرگی در خیابان سی متری واقع در ۲۲ بهمن تشکیل شد. ماشینها پیاپی بوق میزدند و چراغهای خود را روشن و خاموش میکردند. دختر و پسر در کنار هم به شادی پرداختند اما تجمع مردم با مداخله پلیس ویژه یگان سرکوب نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد. جوانان تا پاسی از شب با پرتاب سنگ و چوب به طرف نیروهای مزدور حکومت از خود دفاع میکردند. نیروهای مسلح یگان ویژه، از ترس تجمع مجدد مردم منطقه را روز بعد هم در محاصره داشتند. *

گرفتند که از روز ۲۵ مهرماه دانشجویان دختر باید با داشتن چادر وارد دانشگاه شوند و در غیر اینصورت از ورود آنها به دانشگاه جلوگیری می گردد. این تصمیم خشم دانشجویان را برانگیخت و موجب اعتراض دانشجویان شد. دانشجویان همچنین با صدور بیانیه ای، ناراضیاتی شدید خود را از این تصمیم اعلام کردند. احمد علی زارع رییس این دانشگاه اعلام کرده است که علت تصمیم اخیر شورای فرهنگی و ریاست دانشگاه این است که "ماتتو و پوشش دختران روز به روز بدتر می شود". لازم به یادآوری است که مخالفت دانشجویان با حجاب اسلامی و زیر پا گذاشتن آن از سوی دانشجویان بودی گسترده است که جاسبی ریاست دانشگاه آزاد کشور خود را مجبور دید که اخیراً با صدور بخشنامه ای اعلام کند که "بدجبابان تا دو ماه از تحصیل تعلیق خواهند شد". اعتراض علیه حجاب اسلامی در دانشگاه میبد، بدنبال اعتراضات

دانشگاه ارومیه: ماه رمضان رژیم در دانشگاه ارومیه چنان با بی اعتنائی دانشجویان روبرو شده که معاون دانشجویی فرهنگی این دانشگاه را سخت بر افروخته کرده است. سعید مشکینی که این سمت را بعهده دارد تهدید کرده است که با دانشجویان به دلیل "روزه خواری" برخورد قانونی خواهد شد. دانشجویانی که آیین مذهبی رژیم را رعایت نکنند بعد از "امر به معروف و نهی از منکر" به کمیته انضباطی سپرده خواهند شد. اسلامی ها در دانشگاه برای جلوگیری از روزه خواری دانشجویان، می خواهند که دفتر باشگاه مواد غذایی ساختمان آموزش دانشکده کشاورزی و بوفه دانشگاه تا وقت افطار بسته شوند.

دانشگاه آزاد میبد: روز ۲۷ مهرماه دانشجویان دانشگاه آزاد میبد علیه حجاب اسلامی دست به اعتراض زدند. این اعتراض بدنبال آن صورت گرفت که شورای فرهنگی و هیات ریسه دانشگاه تصمیم

برخاستن علیه این رژیم فراخوان داد. روز ۲۳ مهرماه بیش از صد نفر از نیروهای انتظامی و شهرداری با هماهنگی از قبل بطور وحشیانه به دستفروشان و بساط آنها حمله ور شدند و به فحاشی و ضرب و شتم دستفروشان پرداختند. ماموران قصد داشتند اموال دستفروشان را نیز مصادره کنند. اما با خشم و نفرت و تعرض آنها مواجه شدند. دستفروشان با سنگ و چوب به دفاع از خود و بساط خود پرداختند. صدها نفر از مردمی که شاهد این درگیری بودند به حمایت از دستفروشان برخاستند و در این دستفروشان تجمع کردند. در این میان فریاد زنی بلند شد که رو به مزدوران فریاد میزد: بروید گم شوید با این اسلام و ماه رمضانتان. مردم پیاخیزید. مردم پیاخیزید. گسترده تر شد و برای مدت کوتاهی خیابان میدان وزیری (نواب) بسته شد و نیروهای مزدور رژیم وحشت زده و هراسان در حالیکه سعی در متفرق کردن مردم داشتند با عجله محل را ترک کردند و دو ساعت بعد چندین دستفروش بازداشتی را با اموال آنان آزاد کردند و این یک پیروزی برای مردم معترض بود. *

شرکت مهران موج: کارگران این شرکت نسبت به دستمزدهای بسیار پائین معترضند. این کارگران در سال ۸۱، هر ماه ۳۰ هزار تومان، در سال ۸۲، ۴۰ هزار تومان و سال ۸۳، ۶۰ هزار تومان در ماه حقوق گرفته اند. این درحالی است که در لیست بیمه، حقوق کارگران مطابق میزان تعیین شده از جانب شورای عالی کار قید میشده است. این دستمزدهای بسیار ناچیز خشم کارگران را برانگیخته است. کارگران اعلام داشته اند که دیگر حاضر نیستند به این شرایط برده وار تن دهند و تمام حقوق کارگران باید بی کم و کاست پرداخت شود. کارگران همچنین طی نامه ای خواستار شده اند که قراردادهای سفید امضا باید فوراً ملغی گردند.

دستفروشان کرمانشاه: مردم پیاخیزید! این فریاد زن معترض و خشمگینی بود که در مقابل مزدوران جمهوری اسلامی در کرمانشاه قد علم کرد و مردم را به

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!